

علم أصول الفقه

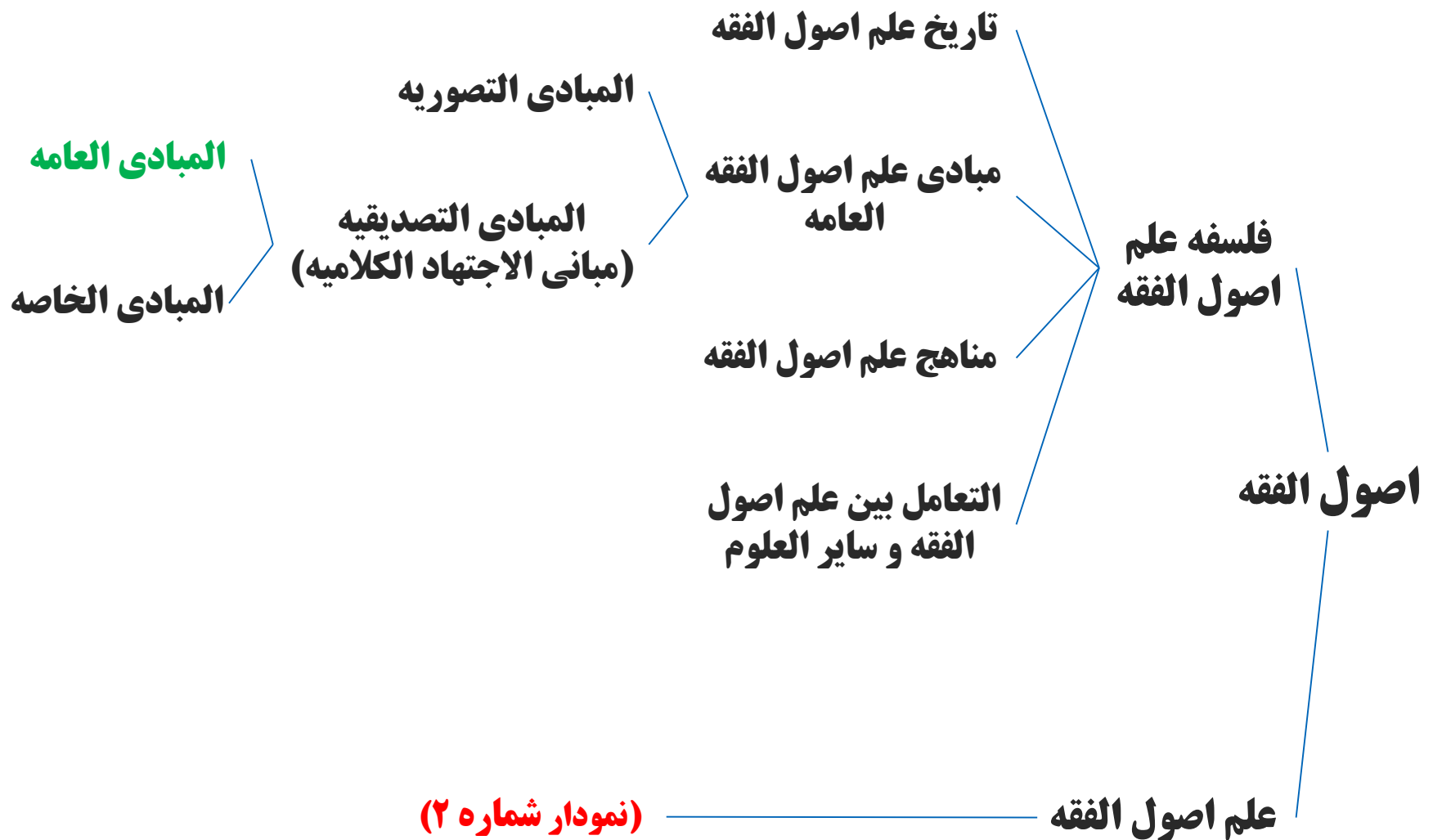
٢٠ - ٧ - ١٤٠٥ القسم الثاني: الحجة

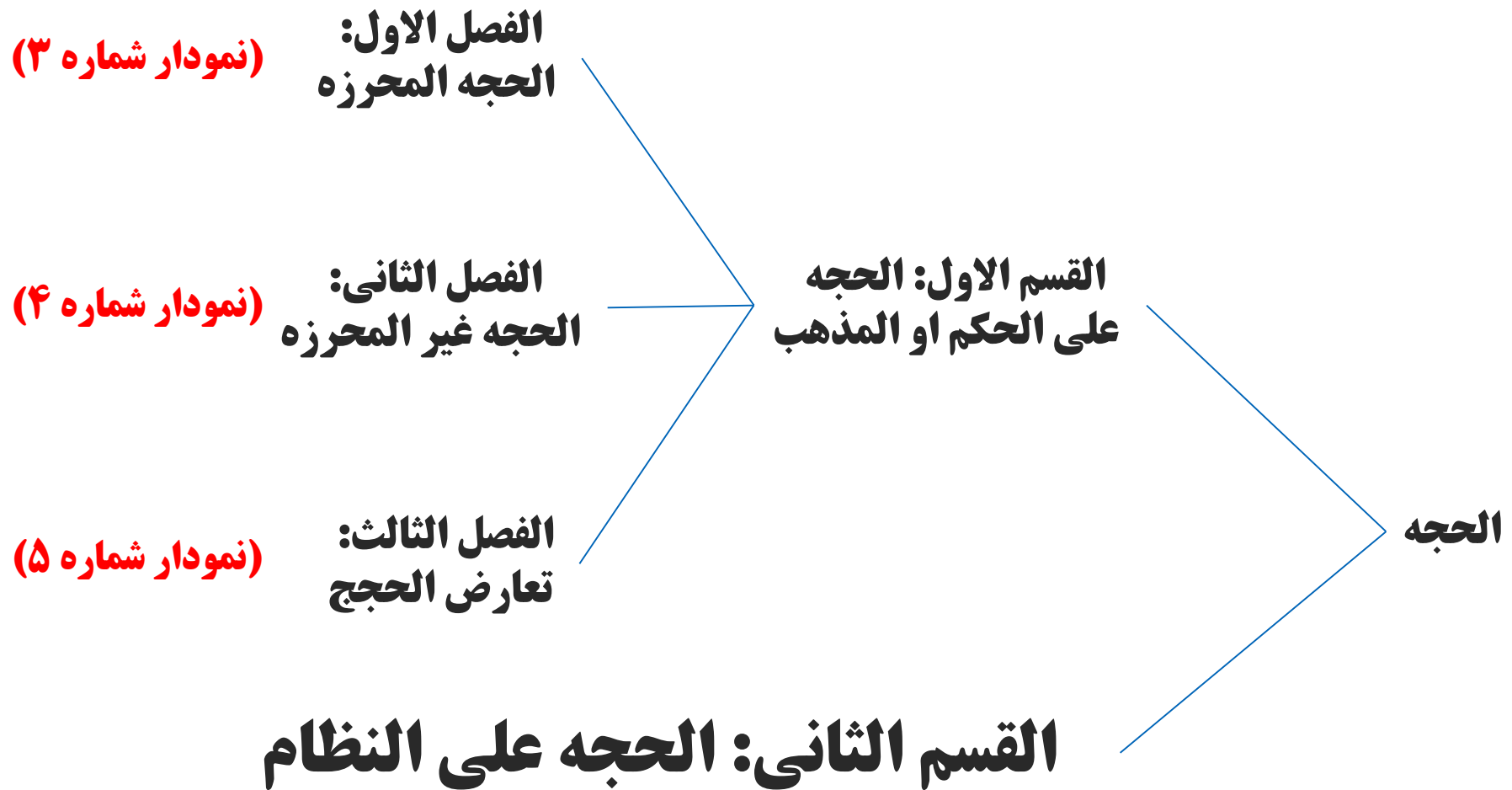
١٠

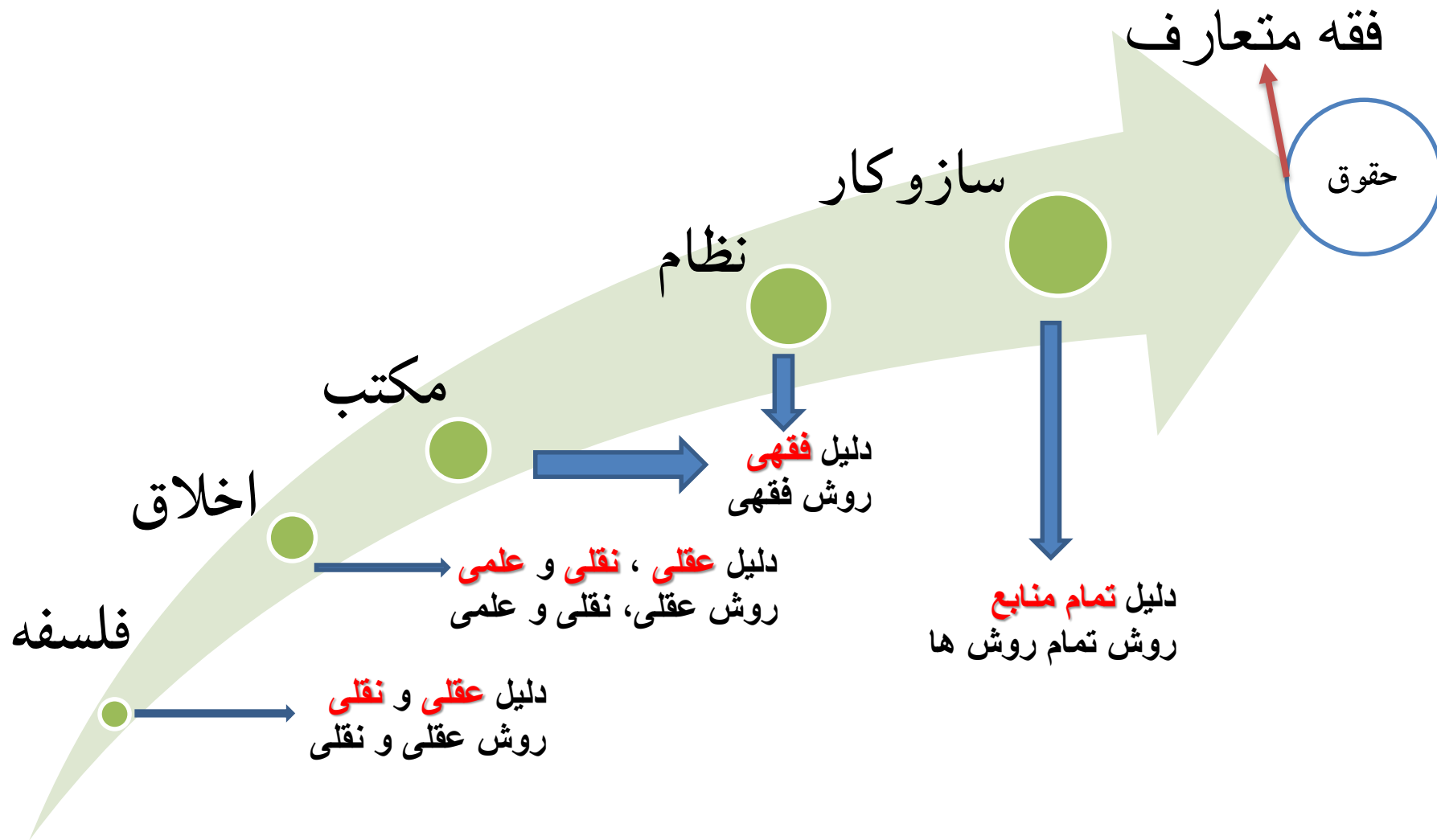
على النظام

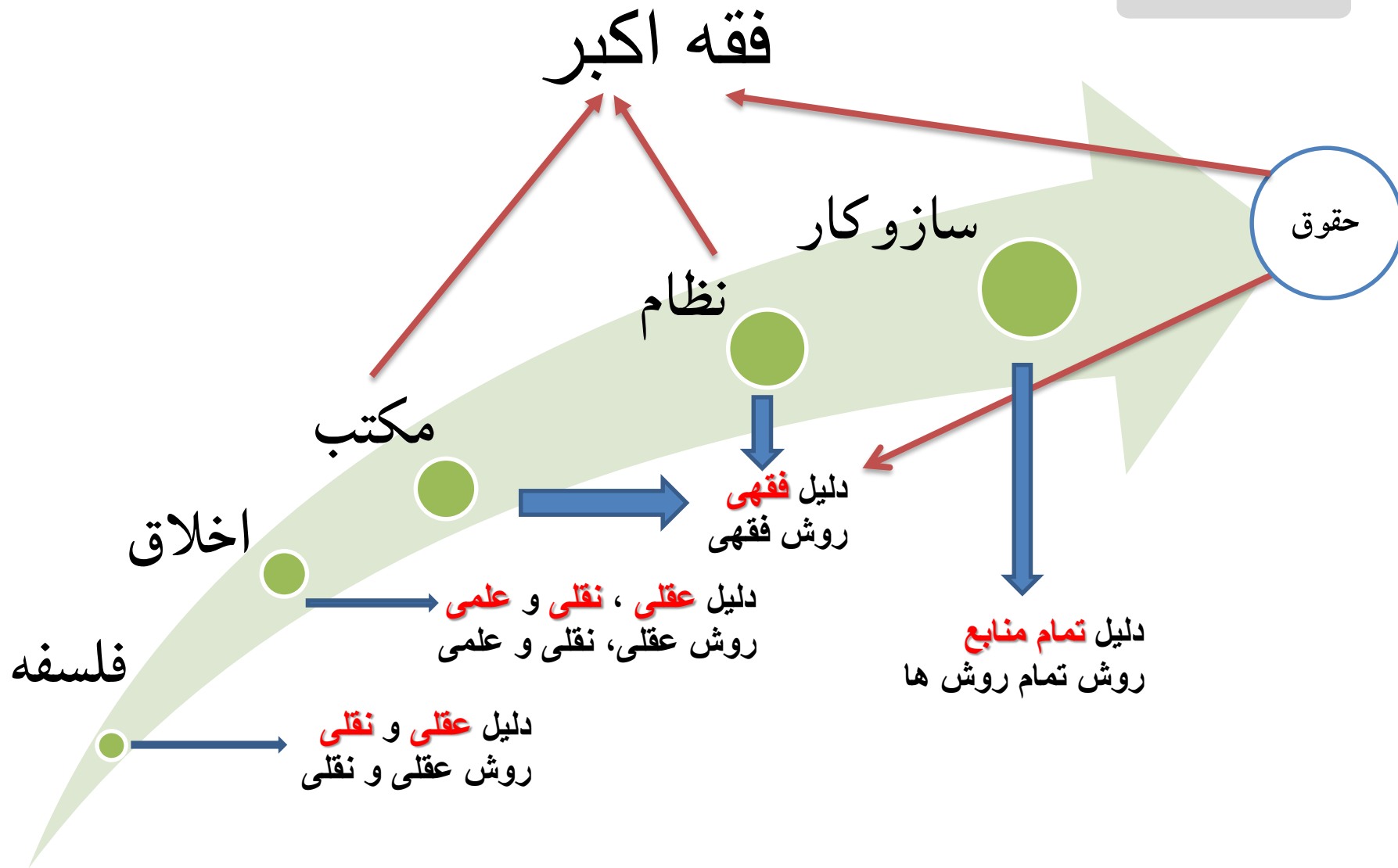
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)

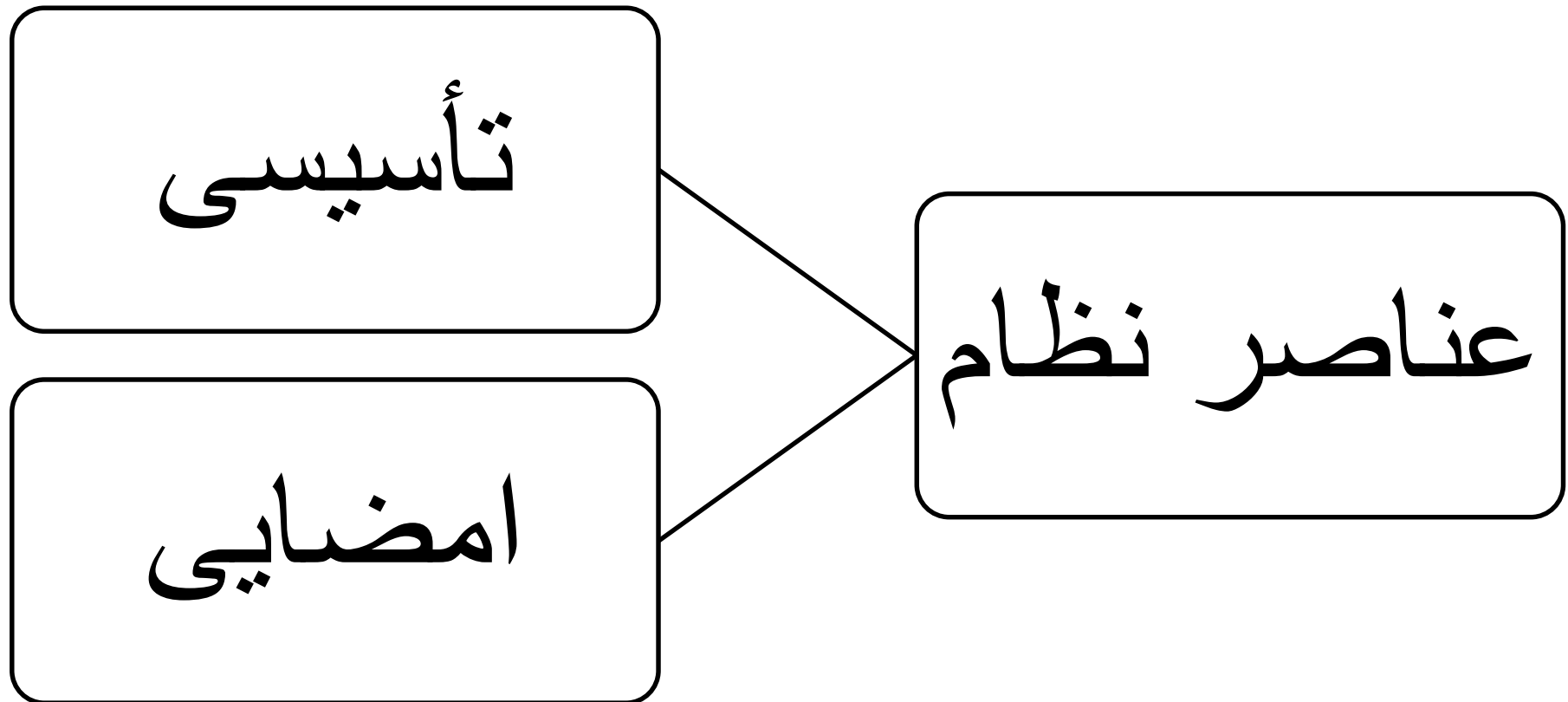




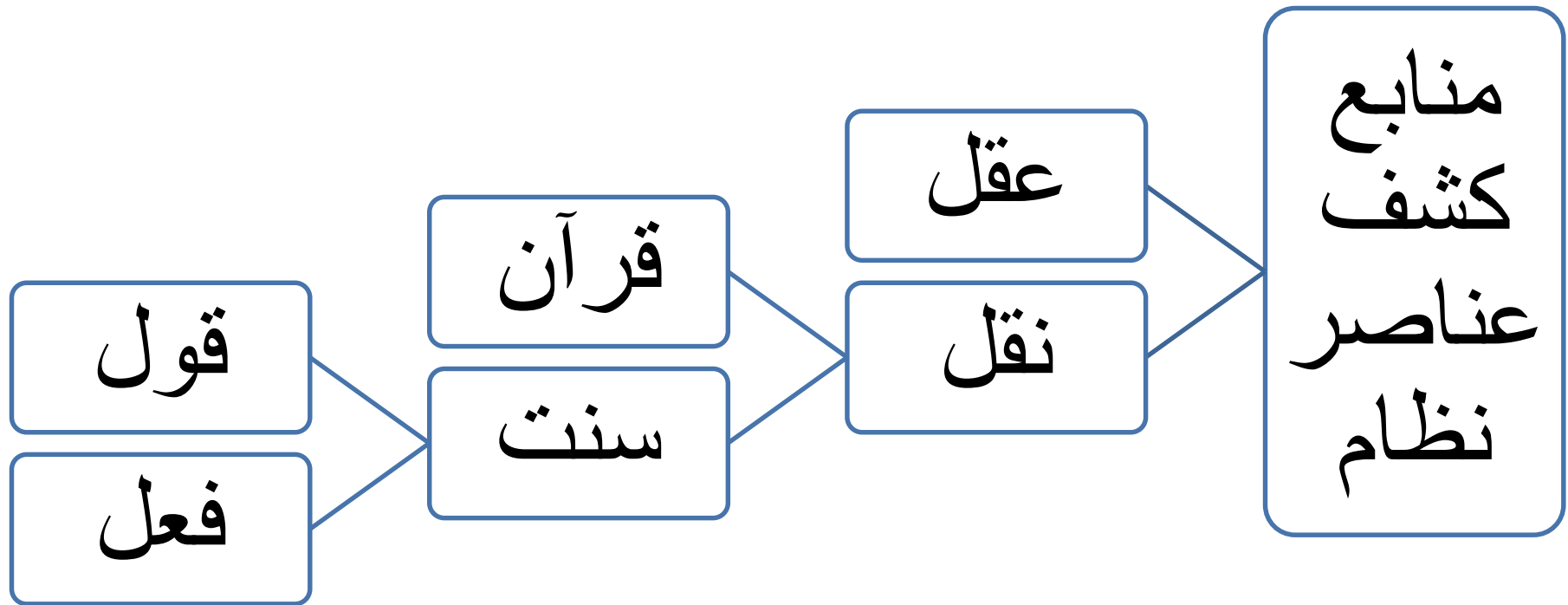




امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام



نظريه اندیشه مدون در اسلام





اهداف

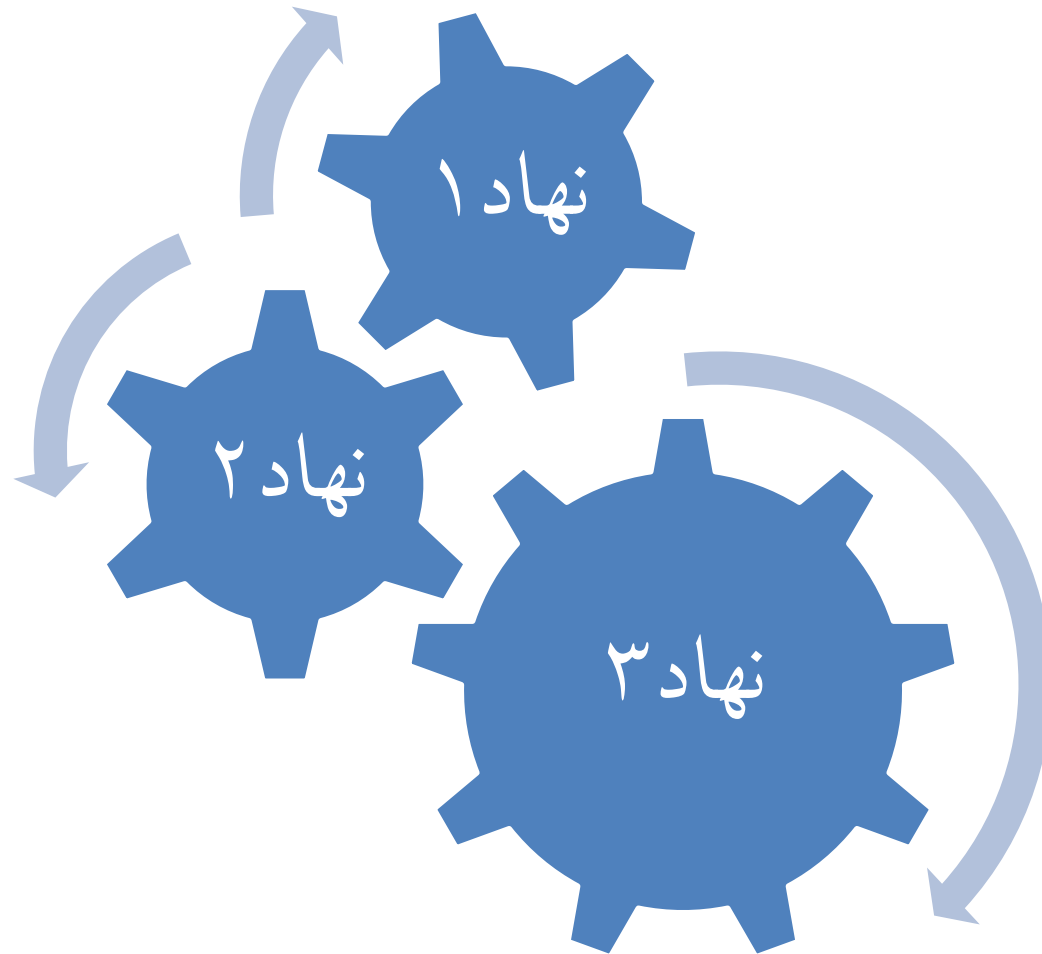
مبانی

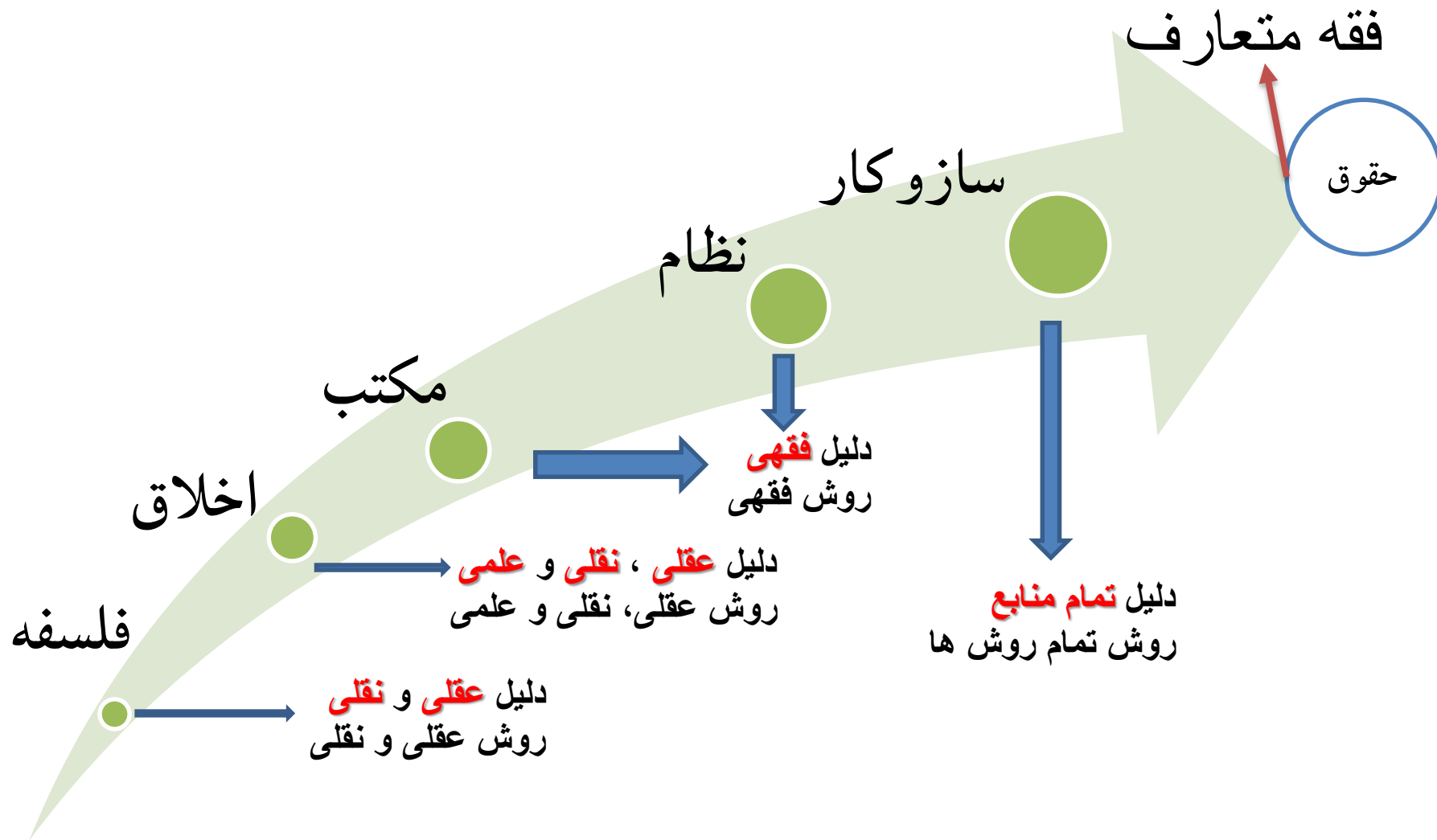
اهداف

نظام

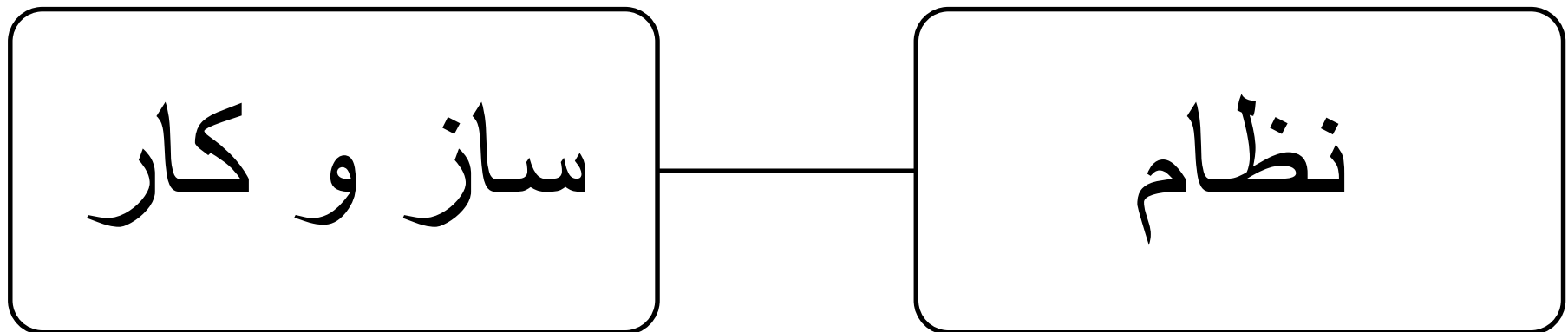
مبانی

نظام (دستگاه نهاد های جهان شمول)

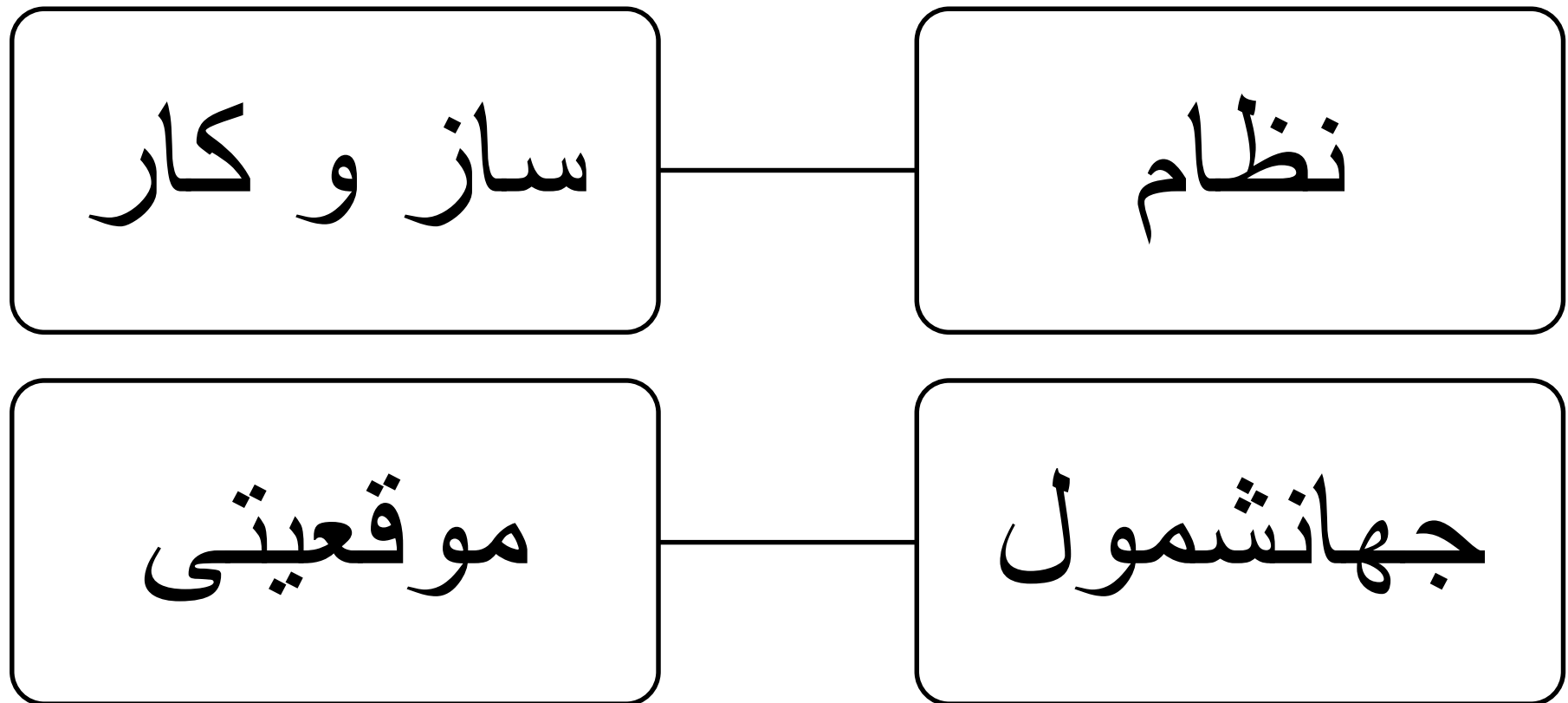




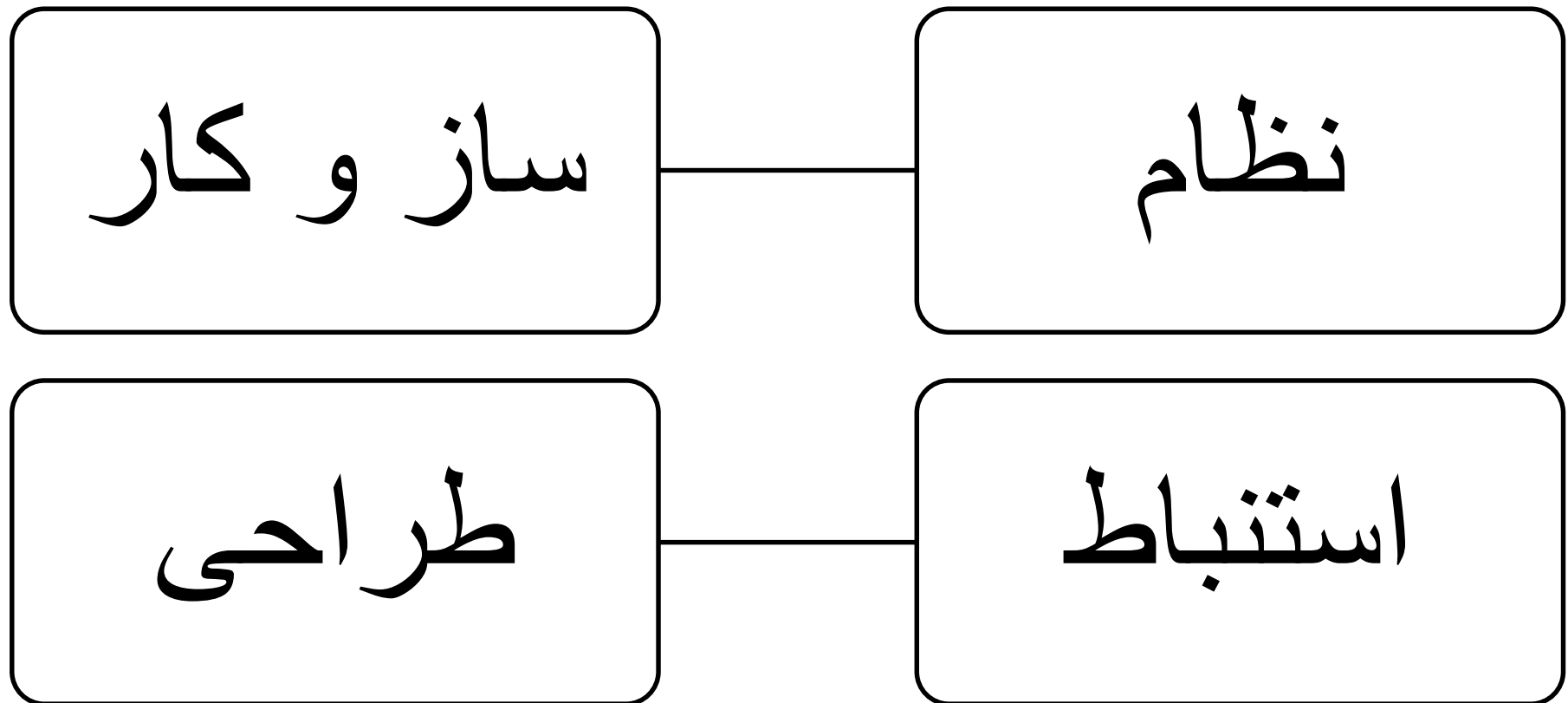
تفاوت نظام و ساز و کار



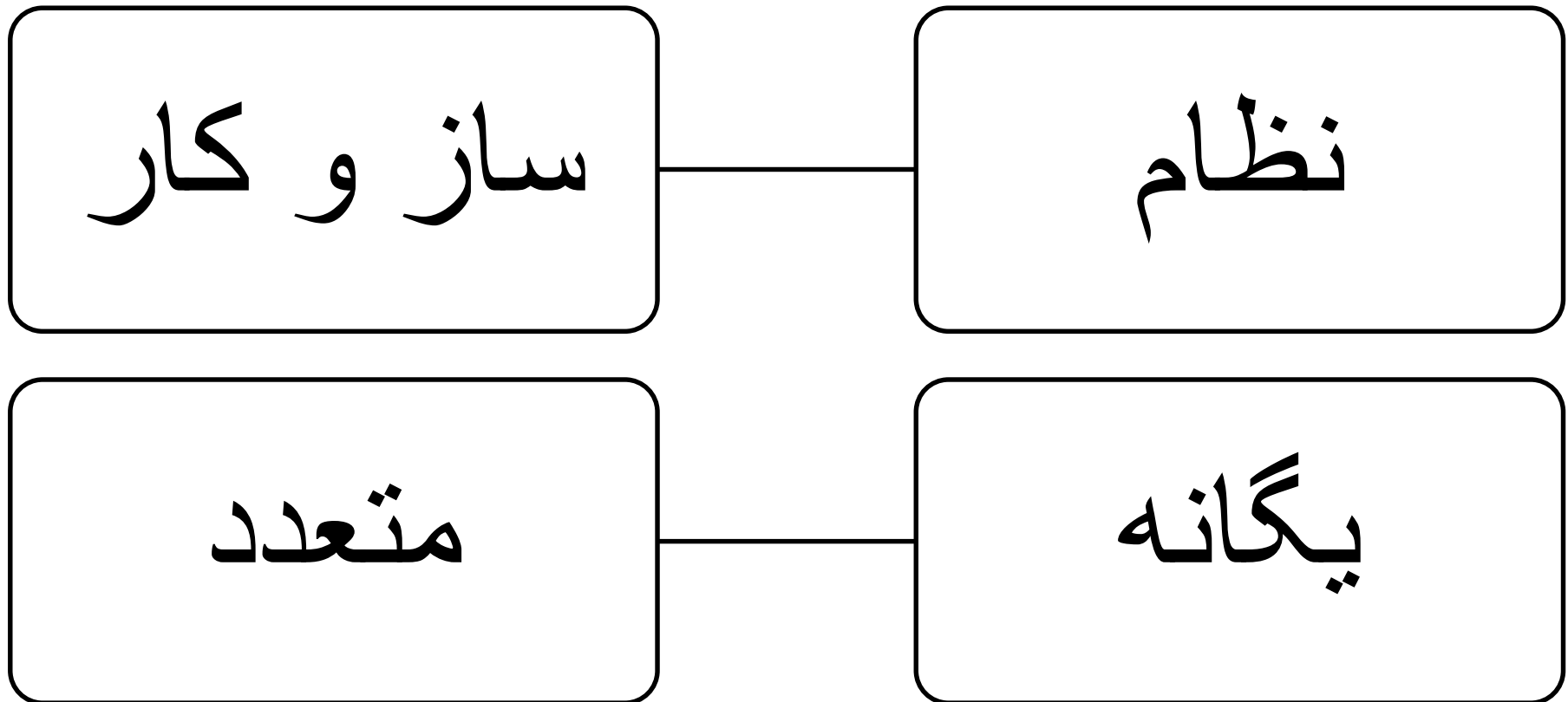
تفاوت نظام و ساز و کار



تفاوت نظام و ساز و کار



تفاوت نظام و ساز و کار



تفاوت نظام و ساز و کار

- تفاوت نظام و ساز و کار
- اقتصاد آن روزگار که حالا قبلاً عرض کردم بعضی به تمسخر می گویند اقتصاد پشم و شتر بوده... آن اقتصاد که یک اقتصاد ساده مبتنی بر یک سری روابط ساده اقتصادی بوده، با اقتصاد امروز که پیچیدگی های فراوانی پیدا کرده کاملاً متفاوت است اما این تفاوت باعث نمی شود که نظام اقتصادی اسلام در خارج قابل تحقق نباشد.

تفاوت نظام و ساز و کار

- نظام وابستگی به شرایط ندارد. آنچه که وابسته به شرایط است چیزی است به نام سازوکار که سازوکار در واقع تعیین آن نظام است در شرایط خاص. وقتی آن نظام اقتصادی می‌خواهد در یک شرایطی مثل صدر اسلام پیاده شود، به یک شکل پیاده می‌شود. یک سازوکار پیدا می‌کند. اگر بخواهد در یک شرایط دیگری مثل شرایط ما مثلاً پیاده شود، شکل دیگری پیدا می‌کند. سازوکار دیگری پیدا می‌شود.

تفاوت نظام و ساز و کار

- آن چیزی که ثابت است و از اسلام بدست میاید نظام است اما ساز و کار، تطبیق آن نظام در شرایط است که این تطبیق را ما با دانش خودمان انجام می‌هیم. ما **ساز** و **کار** را با مجموعه فهم و شرایطی که داریم **طراحی** می‌کنیم. برخلاف نظام که ما آن را کشف می‌کنیم. **نظام** در اسلام هست و ما آن را **کشف** می‌کنیم مثل مکتب، مثل فلسفه. ما نظام را نمی‌سازیم.

تفاوت نظام و ساز و کار

- نظام وجود دارد و ما آن را کشف می‌کنیم اما ساز و کار را ما طراحی می‌کنیم، ما می‌سازیم بر اساس اطلاعاتی که داریم؛ مثلاً وقتی ما می‌آییم در حوزه سیاسی و می‌خواهیم نظام سیاسی اسلام را تطبیق کنیم در یک شرایطی، مجموعه دانشی که در زمینه علوم سیاسی داریم تأثیر می‌گذارد در نوع سازوکاری که طراحی می‌کنیم.

تفاوت نظام و ساز و کار

- قبلاً هم عرض کردم که این سازوکاری که ما طراحی می‌کنیم برخلاف نظام که واحد است؛ یعنی نظام تعدد ندارد، اگر ما نظام‌های مختلف کشف کردیم یعنی مثلاً ما یک نظام اقتصادی کشف کردیم، یک کس دیگری نظام اقتصادی دیگری کشف کرد، هر دو تا قطعاً صادق نیست. یکی از ما لا اقل خطا کردیم. البته احتمال دارد هر دومان هم خطا کرده باشیم.

تفاوت نظام و ساز و کار

- مثل حکم شرعی که در واقع یکی است اما دو تا مجتهد دو جور حکم کشف می کنند. حداقل یکی از آنها خطا کرده

تفاوت نظام و ساز و کار

- اما ساز و کار واقعاً ممکن است در خارج متعدد باشد؛ یعنی در یک شرایط ما بتوانیم سازوکارهای متعددی را در واقع در نظر بگیریم که همه آن سازوکارها تأمین‌کننده نظام باشند؛ یعنی در واقع مبتنی باشند بر مبانی و ما را به اهداف برسانند.

تفاوت نظام و ساز و کار

- اگر چنین شد یعنی چندین ساز و کار وجود داشت که همگی بر مبانی مکتبی استوار بود و ما را به اهداف می توانست برساند و با نظام اسلامی سازگار بود (یعنی در واقع تطبیق نظام بود بر شرایط) اگر چنین ساز و کارهای متعددی پیدا شد، آنجا آن سازوکاری که با شرایط ما سازگاری بیشتری دارد و در واقع راحت تر می توانیم آن را تطبیق بدهیم و به اهدافمان زودتر می توانیم برسیم، آن انتخاب می شود.